

اقدامات جنون آمیز شاهزاده قاجاری

۱۶ شهریور ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۵۱

از شاهزادگان دوره قاجاریه، مسعود میرزا ظل السلطان، پسر ارشد ناصرالدین شاه، از نظر تمول و ثروت و طول مدت حکمرانی و قدرت، یکی از رجال شاخص و منحصر به فردی است که با هیچ یک از اقوام خود قابل مقایسه نیست

از شاهزادگان دوره قاجاریه، مسعود میرزا ظل السلطان، پسر ارشد ناصرالدین شاه، از نظر تمول و ثروت و طول مدت حکمرانی و قدرت، یکی از رجال شاخص و منحصر به فردی است که با هیچ یک از اقوام خود قابل مقایسه نیست. وی در طول مدت عمر خود، سی و چهار سال متوالی حاکم اصفهان و قریب چهل و پنج سال متناوب حاکم مازندران و اصفهان و فارس و مدتی نیز فرمانروای مطلق العنان هفده شهر ایران بوده است.

مسعود میرزا ظل السلطان در روز بیستم صفر سال ۱۲۶۶ هـ.ق از بطن عفت السلطنه بدنیا آمد. او سه سال از مظفرالدین شاه بزرگتر بود ولی چون عفت السلطنه از دودمان شاهان قاجار و از زنهای عقدی ناصرالدین شاه نبود، ظل السلطان به ولیعهدی انتخاب نشد. حسرت ولایتعهدی، از اوان کودکی حسادت برادرش مظفرالدین میرزا را در جانش برانگیخت و تا پایان عمر، آرزوی مالکیت و پادشاهی یک دم از مخیله اش دور نشد.

ظل السلطان در سال ۱۲۷۸ هـ.ق در حالی که سیزده سال بیشتر نداشت، به حکومت مازندران و ترکمن صحرا و سمنان و دامغان منصوب گردید و چهار سال در این سمت باقی ماند.

سلطان مسعود میرزا ملقب به ظل السلطان شاهزاده و حاکم اصفهان در عصر زمامداری ناصرالدین شاه یکی از ظالم ترین حاکمان عصر قاجار بود که برخی بازماندن او از تخت سلطنت را دلیل آن همه خشم و جنون می دانند.

مسعود میرزا پسر بزرگ ناصرالدین به خاطر آنکه از مادری غیر قجری متولد شده بود در رقابت بر سر تاج و تخت از برادرش مظفرالدین شاه شکست خورد. او در دوران حکومت در فارس و بعدها در اصفهان قشون مجهز و منظمی فراهم کرد و با آن به باج گیری و غصب املاک مردم پرداخته و شورش های گاه و بی گاه را به سختی سرکوب می کرد. ظل السلطان بیش از بیست و یک هزار سرباز در اختیار داشت و اصرار داشت تا وزارت جنگ به او واگذار شود اما شاه که از قدرت گرفتن بیش از اندازه او بیمناک بود پیشنهاد او را رد می کرد؛ حتی نقل است که ظل السلطان یکبار در سال ۱۲۶۱ به ناصرالدین شاه پیشنهاد کرد که حاضر است در ازای دریافت مقام ولایتعهدی، مبلغ هنگفتی پیشکش کند اما شاه این پیشنهاد را رد کرد..

با این حال جنون آمیزترین اقدام این شاهزاده قاجاری تخریب بناهای تاریخی در اصفهان بود؛ گفته می شود او بیش از ۵۰ بنا و

اثر تاریخی مربوط به عصر صفوی را در اصفهان تخریب کرد. "هنری رنه" جهانگرد اروپایی که در زمان حکومت ظل السلطان از ایران بازدید کرده است در همین باره نوشته است: ظل السلطان بسیاری از کاخ های عالی و شاهکارهای ممتاز اصفهان را که موجب حیرت جهانیان بود نابود کرد. در واقع، آخرین سال های حکومت ظل السلطان در اصفهان به منزله طوفان ویرانگر بود زیرا او که با به شاهی رسیدن برادرش مظفرالدین شاه امید سلطنت خود را از دست رفته می دید به تلافی، بیشتر این شاهکارهای برجسته را که در دنیا بی نظیر بود خراب کرد و مصالح آنها را فروخت.

وی، املاک مردم را با زور و قهر، غصب و تصرف میگرد و شورشها را با سنگدلی سرکوب می نمود. در حدود سال ۱۲۵۹ش که به اوج قدرت رسیده بود، به پشتوانه ارتش محلی خود، اوامر حکومت مرکزی را نادیده می انگاشت و در سال ۱۲۶۱ به ناصرالدین شاه پیشنهاد کرد که حاضر است در ازای دریافت مقام ولایتعهدی، مبلغ هنگفتی پیشکش نماید. وی اندکی بعد به فکر تصاحب سلطنت افتاد و تا پایان عمر در صدد یافتن آن بود. هرچند که هیچگاه به این آرزوی خویش نرسید. وقتی که خبر مظالم او به گوش ناصرالدین رسید، شاه قاجار درصدد سفر به اصفهان و بررسی اوضاع آنجا برآمد. در این هنگام ظل السلطان بیمناک به تهران آمد و به شاه و درباریان هدایای نفیس تقدیم نمود. با این همه، شاه پس از مدت کوتاهی، با صدور فرمانی، او را از سراسر قلمرو حکومتی غیر از اصفهان برکنار نمود. او در تمام دوران سلطنت مظفرالدین شاه نیز حاکم اصفهان بود و با مشروطه خواهان به شدت برخورد میگرد.

سرانجام کار ظل السلطان

بعد از مرگ ناصر الدین شاه در سال ۱۳۱۳ ه. ق او نامه ای به مظفر الدین شاه نوشت و به او گفت هر چه که امر شود حاضر است اطاعت کند، این امر باعث شد که در حکومت ولایت اصفهان باقی بماند.

او تا سال ۱۳۲۴ ه. ق که محمد علی شاه به حکومت رسید در اصفهان بود و در این سال که برای عرض تهنیت به تهران آمده بود، مردم اصفهان در غیاب او دست به شورش و تعطیلی عمومی زدند و عزل او را از حکومت خواستار شدند، مجلس هم با خواسته های شاکیان همراهی نمود و عزل وی را تصویب کرد.

ظل السلطان هم وقتی تلاشهایش برای برگشت به حکومت بی نتیجه ماند خود استعفاء کرد و توانست حکومت فارس را به دست آورد، ولی طولی نکشید که آن را نیز از دست داد و با این پیش آمد به اروپا سفر کرد و بعد از مدتی که از راه شمال ایران خواست وارد کشور شود در رشت دستگیر شد و با پرداخت غرامت و کمک انگلستان آزاد شد و دوباره به انگلستان باز گشت و بعدها به ایران آمد، به اصفهان رفت و تا آخر عمر در آنجا به صورت منزوی زندگی کرد و در سال ۱۳۳۶ ه. ق در سن ۷۰ سالگی در گذشت و جنازه او را به مشهد انتقال داده و در آنجا به خاک سپردند.

منبع: تبیان

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/31483/قاجاری-شاهزاده-آمیز-جنون-اقدامات>